



## گُرُشی، توصیف دستوری پیکره بنیاد

مریم نورزایی، کارینا جهانی، اریک آنونبی، و عباس علی آهنگر، اوپسالا ۲۰۱۵

راحله ایزدی‌فر\*

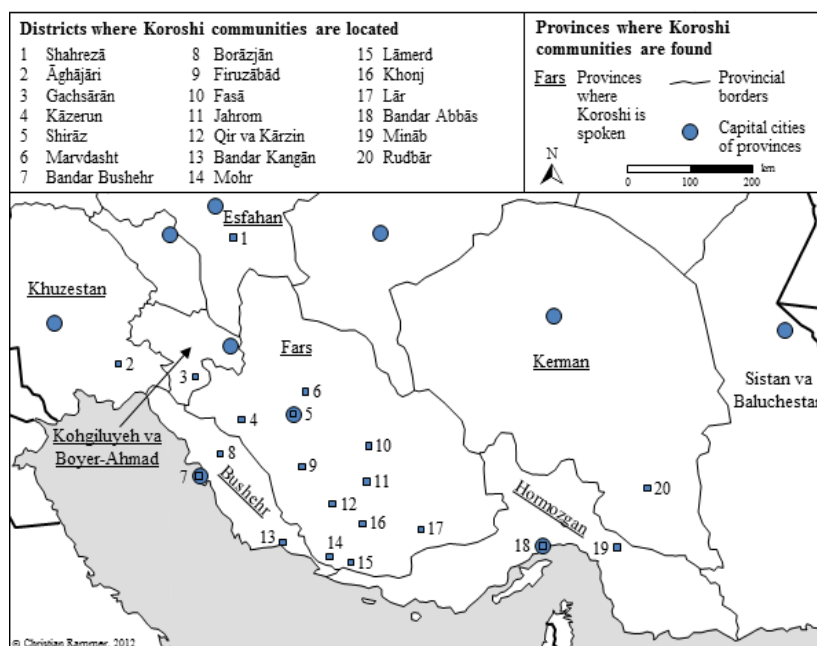
تنوع زبان‌ها در ایران سبب شده این کشور از یک سو به بهشتی برای زبان‌شناسان و از سوی دیگر چالشی بزرگ برای علاقمندان به مستندسازی زبان لقب گیرد. یکی از گونه‌های زبانی در ایران که از مدت‌ها قبل توجه محققان را به خود معطوف داشته گُرُشی است. گُرُش‌ها که خود را دارغه<sup>۱</sup> نیز می‌نامند، مردمانی کوچ‌رو هستند که در گذشته شتربان (ساربان) بوده‌اند. این مردم از قول پیرانشان خود را بازمانده داروغه‌های دوران صفویان می‌دانند. اما گذشته از این مفهوم، دارغه به معنی شتربان است (سلامی ۱۳۸۳: ۳۹). بیشتر گُرُش‌ها امروزه دیگر شترداری نمی‌کنند و بسیاری از آنها در حاشیه شهرها و روستاها یا با تشکیل روستاهای مستقل اسکان یافته‌اند و به پرورش بز و گوسفند و بعضاً گاو مشغولند. تعدادی از آنان نیز هنوز کوچ می‌کنند و در پی مراتع مناسب در طول سال به مناطق گرمسیر می‌روند (همو). طایفه گُرُش به صورت پراکنده در منطقه گسترده‌ای از جنوب ایران از هرمزگان تا خوزستان و همچنین به سمت داخل فلات ایران ساکن هستند. گرچه جمعیت گُرُش‌ها احتمالاً چندین هزار نفر است، اما از آنجا که آنان عموماً به صورت گروه‌های کوچک و در مناطق مختلف زندگی می‌کنند، آمار دقیقی از تعداد آنان ذکر نشده است. به عنوان نمونه، گریمز<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) در آماری که در اتنولوگ<sup>۳</sup> منتشر شد؛ عده گُرُشی زبانان را تنها ۴۰ تا ۵۰ خانواده ساکن در استان فارس ذکر کرد و سلامی (۱۳۸۳) جمعیت گُرُشی‌زبانان را حدود ۲۰۰ خانوار در مناطق اطراف کازرون و مرودشت شیراز تخمین زد. این در حالی است که نورزایی و همکاران (۲۰۱۵) جمعیت گُرُش‌ها در استان‌های مختلف جنوبی را بیش از ده هزار نفر می‌دانند. گروه‌های بزرگ گُرُش‌ها در استان‌های هرمزگان و فارس زندگی می‌کنند. بیشترین تعداد گُرُش‌ها در نزدیکی بندرعباس در حومه شرقی این شهر و روستاهای بین بندرعباس و میناب

1. dârye
2. Grimes
3. Ethnologue

\* | raheleh.izadifar@gmail.com

\* - دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

زندگی می‌کنند. تعدادی از کُرش‌ها نیز در شهر میناب و روستاهای جنوب آن و نیز شمال غربی منطقه رودبار در جنوب استان کرمان ساکن هستند. گروه دوم کُرش‌ها به صورت گروه‌های کوچک در مناطق لار، لامرد، خنج، مَهر، قیر و کارزین، جهرم، فسا، و فیروزآباد در جنوب استان فارس زندگی می‌کنند. گروه بزرگ سوم کُرش‌ها در حومه شیراز و مناطق مرودشت و کازرون ساکن هستند. تعدادی از خانواده‌های کُرش نیز در منطقه گچساران در استان کهگیلویه و بویراحمد و آقاجاری در استان خوزستان و شهرضا در استان اصفهان زندگی می‌کنند (نورزایی و همکاران ۲۰۱۵: ۲۱). توزیع کُرش‌ها در نقشه (۱) نشان داده شده است.



نقشه (۱). مناطق کُرش‌زبان (نورزایی و همکاران ۲۰۱۵: ۲۲)

نام کُرش و تبار این قوم از سوی برخی اعضاء قبیله به قبایل عرب قریشی و از سوی عده‌ای دیگر به کورش کبیر ارتباط داده می‌شود. گرچه زادگاه کُرش‌ها بر اساس روایات شفاهی آنان بلوچستان است و زبان این قوم ارتباط نزدیکی با گونه‌های جنوبی بلوچی دارد، کُرش‌ها در اصل از هویت متمایزی با بلوچان برخوردار هستند. برخی از آنان از وجود ارتباط تاریخی و قومی با بلوچان سخن می‌گویند و برخی دیگر خود را قبیله مستقلی می‌دانند. اعضاء گروهی در شمال غربی استان فارس نیز تبار خود را به ایل بزرگ قشقایی نسبت می‌دهند (نورزایی و همکاران ۲۰۱۵: ۲۲). این قول از زبان پیران کُرش نیز شنیده شده که خود را تیره‌هایی از طایفه فارسی مدان قشقایی می‌دانند. اما سلامی (۱۳۸۳: ۳۹) با مقایسه واژگان کُرشِی، بلوچی و ترکی قشقایی نشان داده که کُرشِی شاخه‌ای از بلوچی است و ارتباطی با ترکی قشقایی ندارد. وی (همو) بر

این باور است که احتمالاً به دلایلی نامعلوم نیاکان کُرَش‌ها زبان بلوچی را فرا گرفته و زبان مادری خود را از یاد برده‌اند.

پیش از این اثر تحقیقات اندکی در مورد زبان کُرُشی انجام شده بود. گریمز (۲۰۰۰) نمودار درختی این زبان را نشان می‌دهد و آن را در زیرگروه بلوچی زبان‌های ایرانی شمال غربی قرار داده است. محمدی (۱۹۷۹) به توصیف اجمالی نظام فعلی کُرُشی اختصاص دارد. ویندفور (۱۹۸۹: ۲۴۸ و ۱۹۹۲: ۲۹) کُرُشی را به عنوان یک زبان ذکر کرده و به نشانه جمع خاص آن اشاره کرده است. در آثار سلامی (۱۳۸۳ و ۱۳۸۵) و عمادی (۱۳۸۴) اطلاعاتی در مورد دستور و واژگان کُرُشی در دسترس فارسی زبانان قرار گرفت. نویسندگان این اثر نیز پیشتر در مقاله‌هایی به بحث در مورد زبان کُرُشی پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به بررسی ساخت‌های غیرشخصی (جهانی و همکاران ۲۰۱۰) و فاعل‌های غیرمتعارف (جهانی و همکاران ۲۰۱۲) اشاره کرد. توصیف دستوری - واج‌شناختی کوتاهی از کُرُشی نیز به صورت یک مقاله دائرةالمعارفی در نورزایی و همکاران (زیر چاپ) تألیف شده است. اما تحقیقی جامع در مورد این زبان بر مبنای پیکره نوشتاری تاکنون انجام نگرفته بود.

اثر نورزایی و همکاران (۲۰۱۵) به مستندسازی نحوه زندگی، سنت‌های شفاهی، و میراث قومی - زبانی کُرَش‌ها پرداخته است. نورزایی که نقش مهمی در این اثر داشته، بلوچ است و این امر به وی در برقراری ارتباط با کُرَش‌ها و گردآوری و ترجمه و تحلیل داده‌ها کمک زیادی کرده است. وی مستندسازی زبان کُرُشی را با جمع‌آوری متون شفاهی در جامعه زبانی کُرُشی انجام داده است. این پروژه با نظارت کارینا جهانی، استاد دانشگاه اوپسالا در سوئد و عباس علی آهنگر، از اساتید دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام گرفته است. بر اساس تحقیقات آنوینی، این گروه دریافتند که کُرُشی در استان هرمزگان نیز گویشورانی دارد و بافت اجتماعی‌زبان‌شناختی و ساختار واجی کُرُشی را نیز به پروژه خود اضافه کردند.

این اثر به مطالعه کُرَش‌ها از دیدگاه زبان این قوم و بر اساس پیکره متون این زبان می‌پردازد. پیکره این تحقیق از گویشوران گویش کُرُشی حوالی شیراز جمع‌آوری شده است. نورزایی در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ این متون را از ۶ گویشور مرد و زن دارای بیش از ۴۰ سال سن با سواد کم یا بی‌سواد ضبط کرده است. در ابتدای کتاب معرفی اجمالی از مردم کُرَش و فرهنگ آنان ارائه شده است. بیشترین حجم این اثر به پیکره هفت متن به همراه واج‌نگاری و ترجمه انگلیسی آنها اختصاص دارد. فرهنگ انتهای کتاب شامل بیش از ۱۲۰۰ واژه است. یک لوح فشرده حاوی فایل‌های صوتی متون و تصاویری از مردم کُرَش نیز ضمیمه این اثر است.

اثر کنونی ۳۱۵ صفحه دارد و از پنج فصل تشکیل شده است:

فصل اول با عنوان مقدمه به پیشینه مطالعات در زمینه زبان کُرُشی، نحوه گردآوری متون و معرفی گویشورانی که در گردآوری متون این تحقیق مشارکت داشته‌اند اختصاص دارد. نویسندگان در فصل دوم، طایفه کُرَش را معرفی کرده‌اند. توزیع جغرافیایی این قوم، منشأ و هویت آنان، فرهنگ و نحوه زندگی و میزان استفاده از زبان کُرُشی در میان این قوم از جمله مطالب این فصل است.

میزان تکلم به کُرُشی تا حد زیادی در مناطق کُرُش زبان متفاوت است. در جنوب که کُرُشی زبان بیشتر اهالی یک روستا یا منطقه است، این زبان برای مکالمه در میان تمام افراد به کار می‌رود. زمانی که کُرُش‌زبانان با بندرعباسی‌ها مواجه می‌شوند با زبان فارسی با آنان سخن می‌گویند اما در مواجهه با بلوچان از کُرُشی استفاده می‌کنند. اما در شمال غربی منطقه کُرُش‌زبان، چندزبانگی رایج است و کُرُش‌های این منطقه علاوه بر کُرُشی به زبان‌های قشقایی و فارسی و در مناطق نزدیک کازرون و گچساران به لری نیز مسلط هستند و از آنجا که در این مناطق تعداد اندکی از کُرُش‌ها ساکن هستند، تنها در محدوده خانه به کُرُشی سخن می‌گویند. قشقایی و فارسی در میان نسل جوان کُرُشی‌های این منطقه جایگزین زبان مادری‌شان می‌شود (نورزایی و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۴).

توصیف دستوری جامع زبان کُرُشی بر اساس متون این زبان در فصل ۳ ارائه شده است. گرچه کُرُشی دارای ویژگی‌های مشترک زیادی با گویش‌های جنوبی بلوچی است، به باور نورزایی و همکاران (۲۰۱۵: ۲۵) از دیدگاه زبان‌شناختی می‌توان آن را زیرمجموعه مجزایی در گروه زبانی بلوچی به شمار آورد. کُرُشی خود دارای شاخه‌های گویشی‌ای است به این صورت که کُرُشی استان فارس (گویش شمالی) تا حدی متفاوت از گونه‌های بخش جنوب شرقی منطقه زبانی نزدیک بندرعباس (گویش جنوبی) است. توصیف واج‌شناختی و صرفی- نحوی‌ای که در نورزایی و همکاران (۲۰۱۵) از کُرُشی ارائه شده بر اساس داده‌های گردآوری‌شده از گویش شمالی کُرُشی است. در گویش شمالی نیز تفاوت‌های قابل توجهی در داده‌های این زبان دیده می‌شود. این فصل شامل سه زیربخش است: بخش اول به ویژگی‌های واج‌شناختی اختصاص دارد و شامل معرفی واکه‌ها و همخوان‌ها، فرایندهای واج‌شناختی و تکیه و نواخت است. بخش دوم به بررسی صرف و نحو در سطح گروه می‌پردازد و شامل صرف و نحو اسمی، ساخت اضافه، صفت و قید، حروف اضافه، ضمائر، طبقه‌نماها و صرف و نحو فعل است. بخش سوم به نحو در سطح بند و جمله اختصاص دارد و شامل ترتیب سازه‌ها در بند، هم‌پایه‌سازی و وابسته‌سازی است. برای هر ویژگی مورد بحث، مثال‌های متعددی از پیکره متون گردآوری‌شده کُرُشی ذکر شده است.

در فصل ۴ که بخش اصلی این اثر را تشکیل می‌دهد متون کُرُشی گردآوری‌شده به عنوان پیکره به طور کامل آورده شده‌اند. نویسندگان از برنامه فلکس<sup>۱</sup> که از کاربردهای زیادی در کارهای میدانی زبان‌شناسی و مستندسازی و تحلیل زبان برخوردار است برای آوانگاری و تحلیل‌های زبان‌شناختی داده‌های کُرُشی استفاده کرده‌اند. متون آوانگاری‌شده در این اثر شامل ۷ متن است: یک افسانه در مورد حیوانات، سه داستان شفاهی سنتی طولانی، دو داستان از زندگی گویشوران و متنی در مورد نحوه بافندگی کُرُش‌ها. این متون مبنای پایان‌نامه کارشناسی ارشد نورزایی (۱۳۸۸) نیز بوده که به توصیف زبان‌شناختی نظام فعلی در گویش کُرُشی اختصاص داشته است. متونی دیگر از زبان کُرُشی نیز در پایان‌نامه دکتری نورزایی (زیر چاپ) منتشر می‌شود. بر خلاف بسیاری منابع که تقسیم‌بندی متون را بر اساس واحد جمله انجام می‌دهند، تقسیم‌بندی متون در این اثر بر اساس واحدهای کلامی است. هر واحد کلامی از چهار خط تشکیل شده است: در خط اول،

واحد‌های کلامی به واحدهای واژگانی و در خط دوم به واحد تکواژ تقسیم شده‌اند. در خط سوم معادل تک‌تک تکواژها به انگلیسی و مقوله دستوری هریک ذکر شده است و خط چهارم ترجمه کل واحد کلامی به انگلیسی است.

فرهنگی از واژه‌هایی که در متون فصل ۴ به کار رفته‌اند همراه با ذکر مقوله دستوری و ترجمه انگلیسی هر واژه در فصل ۵ گردآوری شده است.

کتاب نورزایی و همکاران (۲۰۱۵) بدون شک اثری مهم در بررسی زبان یکی از اقوام اقلیت ایران است و متون گردآوری شده در این تحقیق، میراثی ارزشمند از این قوم به یادگار گذاشته است. یکی از ویژگی‌های مهم کتاب حاضر این است که نویسندگان از داده‌های پیکره زبانی گفتاری‌ای که از طریق تحقیق میدانی در میان گویشوران زبان مورد بررسی گردآوری شده است در تحلیل‌های زبان‌شناختی خود استفاده کرده‌اند و این امر اعتبار داده‌ها و تحلیل‌های آنان را تا حد زیادی افزایش داده است.

## منابع

- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۳)، *بررسی اجمالی گویش کُرشِی*. مجله *گویش‌شناسی* ۱:۳، صفحات ۳۹-۵۶.
- سلامی، عبدالنبی (۱۳۸۵)، *گنجینه گویش‌شناسی فارس*، دفتر سوم، تهران: نشر آثار.
- عمادی، نظام (۱۳۸۴)، *گویش کُرشِی*. شیراز: انتشارات شیراز آوند اندیشه.
- نورزایی، مریم (۱۳۸۸)، *توصیف زبان‌شناختی نظام فعلی در گویش کُرشِی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه علوم و تحقیقات.
- Grimes, Barbara F. (ed.) (2000), *Ethnologue: Languages of the World* (14<sup>th</sup> edition). Dallas: SIL International. Online at: <http://www.ethnologue.com/>
- Jahani, Carina, Serge Axenov, Behrooz Barjasteh Delforooz, and Maryam Nourzaei (2010), "Impersonal Constructions in Balochi". *Orientalia Suecana*, 59, pp. 168-181. Online at: <http://www.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2%3A405396>
- Jahani, Carina, Behrooz Barjasteh Delforooz, and Maryam Nourzaei (2012), "Non-canonical Subjects in Balochi". In: Aghaei, Behrad, and M. R. Ghanoonparvar (eds), *Iranian Languages and Culture: Essays in Honor of Gernot Ludwig Windfuhr*. Costa Mesa: Mazda, pp. 196-218. Online at: <http://www.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2%3A561223>.
- Mahamedi, Hamid (1979), "On the Verbal System in Three Iranian Dialects of Fars." *Studia Iranica*, 8, pp. 277-297.
- Nourzaei, Maryam (Forthcoming) *Discourse Studies in Balochi: Person reference in three Balochi Dialects*. Uppsala: Acta Universitatis Upsaliensis.
- Nourzaei, Maryam, Carina Jahani, Erik Anonby, and Abbas Ali Ahangar. (2015), *Koroshi: A Corpus-based Grammatical Description*. *Studia Iranica Upsaliensia* 13. Uppsala: Acta Universitatis Upsaliensis.

- 
- Nourzaei, Maryam, Carina Jahani and Erik Anonby (Forthcoming). "Koroshi". In: *Encyclopædia Iranica*. New York: Center for Iranian Studies, Columbia University.
  - Windfuhr, Gernot (1989), "New Iranian Languages: Overview." In Schmitt, Rüdiger (ed.), *Compendium Linguarum Iranicarum*. Wiesbaden: Reichert, pp. 246-262.